

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم "اسیر"

اضطراب

بیا که صحن چمن پرگل است و "آبزده"
ز آسمان و زمین مشک تازه میبارد
طراوت چمنت سوی باغ میخواند
ز بس دو چشم تو بی جام باده سرشار است
چه میشود به کلامی دلم کنی آرام
دلا به تیغ نگاهش بنه سر تسلیم
سیاهروی شد از بس دروغ گفت رقیب
به ناصواب شکستی دل حـزین مرا

عروس باغ به سر پنجه اش خضاب زده
به چهره دخت چمن عنبر و گلاب زده
درین سپیده دم آخر مباح خواب زده
گمان برند که شب تا سحر شراب زده
شبی به کویت اگر آیم اضطراب زده
که تو فتاده ز پائـی و او شتاب زده
به سان چهره تاریک آفتاب زده
مگر مقابل تو حرف ناصواب زده؟

چو من "اسیر" بغیر از دعا چه خواهی گفت

به دلبری که رسد بر سرت شتاب زده

(فرانکفورت - می ۲۰۰۵ م)